



بسم الله الرحمن الرحيم

تحیر و سرگردانی آثار و پیامدهای روانی بسیاری به دنبال دارد و حتی ممکن است به بیماری های روانی از جمله افسردگی منجر شود. در زندگی نیروهای محدود کننده ای وجود دارد که هر تصمیم یا هر ابتکار جدید را



با مشکل مواجه می سازند . از جمله این نیروهای محدود کننده که مانع تصمیم گیری انسان می شود ، می توان به دانش محدود و نداشتن تجربه کافی در افراد اشاره کرد .

از نظر اسلام ، انسان در هر کار و هر اقدامی ، ابتدا باید نیروهای خود را به کار گیرد و از عقل و دانش و تجربه خود مدد جوید و مسائل و مشکلات خویش را حل کند ، از آنجا که بسیاری افراد از دانش و تجربه کافی برخوردار نیستند یا در برخی موارد جرات تصمیم گیری را ندارند ، باید با دیگران مشورت نموده و از متخصصان و کسانی که تجربه بیشتری دارند ، کمک بگیرند . انسان هر اندازه با تجربه و اهل دانش باشد ، از مشورت با دیگران بی نیاز نیست . در برخی روایات ، مشورت با دیگران نوعی دور اندیشی محسوب شده



است . مشورت با دیگران در بسیاری موارد مفید و راهگشا است ، اما در برخی مواقع می بینیم که پس از تفکر و مشورت باز هم در تردید هستیم و توان تصمیم قاطع و انتخاب را در خود نمی بینیم . در این گونه موارد حالت شک و دودلی ، انسان را عذاب می دهد و اگر همین طوری ادامه یابد به افسردگی منجر خواهد شد . در روانشناسی راه حلی ارائه نشده است . چه بسا ممکن است افراد به خودکشی اقدام کنند ، اما اسلام برای پیشگیری از تحیر ، روش استخاره را سفارش نموده است . از این منظر ، استخاره نوعی روش مذهبی برای پیشگیری از تحیر و اضطراب به حساب می آید . استخاره در واقع نوعی مشورت با خداست . گویا با این عمل انسان به خدا عرضه می دارد : خدایا من متحیر و درمانده ام و تو از همه آگاه تر و داناتر هستی . پس آن راهی را که خیر و صلاح



من در آن است ، به من نشان بده . از آنجا که شخص مومن به خدای متعال اعتماد و حسن ظن دارد و می داند که خدا علیم و قادر است ، عرضه می دارد : خدایا من دعا می کنم ، تو دعای من را مستجاب فرما و راه خیر را به من بفهمان . چون شخص مومن چنین حسن ظنی به خدا دارد ، لذا وقتی از او راهنمایی می خواهد و در استخاره یک آیه قرآن وسیله قرار می دهد ، مطمئن است که خدا هم او را به راه راست و انتخاب صحیح و معقول راهنمایی خواهد کرد . بنابراین استخاره علاوه بر دلایل تعبیدی ، این تحلیل روان شناختی را نیز می تواند داشته باشد .

بعد تربیتی استخاره

واضح است که سنت الهی این گونه نیست که انسان از یک راه غیرعادی واقعیتها را کشف و به آنها علم و



آگاهی پیدا کند. همان طور که رزق و روزی وی را از راه غیبی تأمین نمی کند و برای کسب روزی هزاران اسباب و وسایل قرار داده است که هر یک خود هزاران حکمت دارد، و گرنه خدا عاجز نیست که جلوی در خانه هر کسی یک زنبیل غذا و آذوقه و از آسمان نازل کند و روزی وی را به او برساند. پس وسایلی که در این دنیا فراهم شده تا انسان با تلاش و کوشش از دل کوه ها و دریاها، غذای خود را به دست آورد، همگی هزاران حکمت نهفته در خود دارد. از جمله این که این گونه کارها و فعالیت ها باعث ایجاد روابط اجتماعی می شود و هر کدام زمینه هزاران تکلیف را فراهم می سازد و یا این تلاش ها و کوشش ها به نوعی صحنه و جلسه امتحان آدمی را فراهم می نمایند تا با این وسیله تکامل خود را رقم زند. حال در این مقام، استخاره نیز نوعی تلاش است که آدمی در موقع تحیر



و سرگردانی انجام می‌دهد تا خیر و شر خود را تمیز دهد. یعنی حتی آن‌گاه که عقل خود را ناقص و تجربه خود را ضعیف می‌یابد، باز هم خود را تسلیم تحیر نمی‌سازد و از فعالیت باز نمی‌ایستد و به دنبال یافتن خیر و شر بر می‌آید که خود نشان از تلاش مستمر او می‌دهد. در واقع انسان، اول باید نیروهای خود را به کار بگیرد. و از فکر و تجربه خود بهره‌برداری کند و مشکلات و مسائل خویش را حل نماید و آن‌گاه که خود را عاجز دید و عقل و تجربه خویش را کافی ندانست، از متخصصان و کسانی که تجربه بیشتری دارند، کمک بگیرد و با آنها مشورت کند. و در نهایت اگر بعد از این دو مرحله نیز دریافت که همچنان راه نیل به حق مسدود و یا او از درک آن ناتوان است نباید تن به تحیر و سرگردانی سپارد، بلکه باید از خدا خیر خود را بخواهد و هر چه سریع‌تر گریبان خود را از



چنگال سرگردانی و تحیر نجات بخشد. خصلت برجسته مؤمن این است که هرگز مأیوس نشده و همیشه از خدا خیر خود را طلب می‌نماید؛ یعنی در پهنه بیابان بی‌کران ناتوانی، شخص مؤمن مأیوس نمی‌شود و می‌گوید: رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ؛ خدایا هر خیر و نیکی که بر من فرو فرستی به آن نیازمندم! بنابراین می‌توانیم بگوییم که مؤمن هرگز در زندگی به بن‌بست نمی‌رسد؛ چون اگر چنین وضعیتی نسبت به تشخیص مصلحت برای وی پیش آید، هرگز مأیوس نشده و از خدا خیر و مصلحت خود را می‌طلبد و می‌گوید: بار خدایا خودت مرا هدایت فرما! لذا از راه قرآن، و یا قبضه تسبیح و... مصلحت خود را از خدا می‌خواهد.



پس شخص مؤمن بعد از این که از اسباب دیگر استفاده کرده و به جایی نرسید، آن گاه به سراغ استخاره می‌رود، نه این که بطور دائم و برای هر کار کوچک و بزرگ همانند آب خوردن و درس خواندن و... استخاره کند. این گونه عمل نمودن خلاف اهداف الهی و حکمت خداوند سبحان و سیره پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) است. هرگز نخواهید یافت که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به اصحابشان فرموده باشند، برای هر کاری استخاره کنید. یا ائمه (علیهم السلام) به اصحابشان فرموده باشند که عقل خود را به کار نگیرید و مشورت نکنید و همیشه برای هر کاری استخاره کنید. اگر دقت کنیم به کار نگرفتن عقل و کنار گذاردن مشورت، کفران نعمت خداست. و خداوند و اهل بیت (علیهم السلام) هرگز ما را به کفران نعمت «عقل» و «مشورت» امر



نمی‌فرمایند. خدا به ما عقل داده تا آن را به کار بگیریم. نباید عقل را تعطیل نمود. همین‌طور خداوند منان به کمک نیروی عقل و وجود انسان‌های صاحب فکر و اندیشه راه مشورت را فراروی ما گشوده است و اگر این دو نتوانستند ما را یاری دهند، آن‌گاه باید به سراغ اسباب دیگر برویم. قاعده و قانون این است که انسان با عقل خود و یا روش‌های معقول و یا تجربه دیگران کارهای خود را انجام دهد. لذا برای به دست آوردن احکام شرعی نباید از استخاره استفاده کند، بلکه باید با اجتهاد و یا تقلید، احکام شرعی را بفهمد و انجام دهد. یا در تشخیص مصالح زندگی عادی نباید به استخاره تکیه نماید، بلکه باید عقل خود را به کار گیرد و یا با دیگران مشورت کند. البته اگر یقین پیدا کرد که از کشف حقیقت و آگاه شدن از واقعیت و دست‌یافتن به واقع، عاجز است، در میدان عمل نباید تن به



سرگردانی و بلاتکلیفی دهد و مأیوس شود، بلکه باید از خدا بخواهد و دعا کند تا خدا او را هدایت کند. پس توجه داریم که در وادی اندیشه و فکر هرگز جای استخاره نیست و استخاره فقط ما را به هنگام تحیر در عمل کمک می‌کند که به کدام سوی برویم و چه را انجام بدهیم، نه آن‌که یک مطلب علمی و مسأله فکری را حل نماییم و پاسخ دهیم.

برشی از کتاب های :

۱. دیدگاه های روان شناختی آیت الله مصباح یزدی

۲. پند جاوید